

نشریه دبیرستان فرهنگ

شماره چهارم - آذرماه ۱۴۰۴

فرهنگ‌نامه



”این شماره از نشریه تقدیم می‌شود به تمامی شهدای گرانقدر و والامقام ایران“



کار گروه فیلم و موسیقی:
سینا نوری رهام لاچینی



کار گروه اقتصاد:
مانی رضایی علی محمد قلی زاده



کار گروه تاریخ و جامعه شناسی:
سهیل جابر انصاری دانیال باخدا آریا صمدی



کار گروه فلسفه و حقوق:
سروش درخشان سپهر گل محمدی



کار گروه روانشناسی:
آرتین مختاری



کار گروه ادبی:
محمد طاهای حاجی اسفندیاری محمد صدرا قاسمی



کار گروه سیاسی:
علی رضا ناقوسی پارسا شهیدی



کار گروه معارف:
رهام خزائی



طراح گرافیک:
سینا نوری



سر دبیر نشریه:
پارسا شهیدی

سازشناسی: تقسیم بندی انواع ساز

سینا نوری

همایون ارشادی

رہام لاجینے

مزایای عضویت در سازمان بیکس چیست؟

مانے رضایے
علے محمد قلی زاده

سندرم ایمیاستر

آرتین مختاری

عرفان عالمے شگرف در ادب فارسی

محمد صدرا قاسمی

غزلے به قلم محمد طاہا حاجے اسفندیاری

محمد طاہا حاجے اسفندیاری

کافہ گفتگو: تاریخچه فرهنگ انقلاب چاپ گوئنبرگ

سہیل جابر انصاری

ضرورت قیام امام زمان عجل اللہ تعالیٰ فرجہ شریف

رہام خزانے

تبیین جایگاه مقاومت اسلامے در امنیت ملے جمہوری اسلامے

علیرضا ناقوسے

بزرگان علم حقوق در ایرن، از دورہ اسلامے تا کنون

سیہر گل محمدی

اندیشه چپ، بزرگترین چالش غرب

آریا صمدی

ارسطو، شاگرد ناخلف

سروش درخشان

وقتے عقل جای شمشیر را گرفت

دنیل باخدا

مرگے بر آمریکا

پارسا شہیدی

سازشناسی تقسیم‌بندی انواع ساز

سازشناسی شاخه‌ای از دانش موسیقی است که در آن به دسته‌بندی سازها، تاریخچه و نحوه تولید صدا در آنان توجه دارد و از این جهت مورد توجه بسیاری از موسیقی‌دانان قرار گرفته است که می‌توان به کمک آن به شناخت بهتری از علم موسیقی دست یافت. تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای سازهای موسیقی وجود دارد که یکی از آنها بر پایه نحوه تولید صدا در ساز است. در این دسته بندی که در اینجا به صورت خلاصه بیان می‌شود، سازها به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱: سازهای زهی، که به وسیله ارتعاش سیم‌ها صدا تولید می‌کند و خود بر سه دسته‌اند:
 الف) زخمه‌ای: مانند گیتار، تار، عود.
 ب) آرشه‌ای: مانند ویالن و کمانچه.
 پ) کوبشی: مانند پیانو و سنتور.

۲: سازهای بادی که به وسیله ارتعاش هوای درون لوله ساز صدا تولید می‌کند و بر دو نوع است:

الف) چوبی: مانند فلوت، ساکسیفون و ابوا.
 ب) برنجی: مانند ترومپت و کرنای.
 البته باید توجه داشت که نام‌گذاری چوبی یا برنجی دلالت بر جنس آن ساز ندارد و بر پایه چگونگی تولید صدا در ساز است.

۳: کوبه‌ای (ضربه‌ای)، که به وسیله ارتعاش پوششی سخت، به وسیله ضربه یا مالش صدا تولید می‌کند.

۴: سازهای الکترونیک: که به وسیله نوسان و سیگنال‌های الکترونیکی تولید صدای می‌کند.
 مانند: ترمین، گیتار الکترونیک و سینث سایزر.
 برای کسب اطلاعات و آگاهی بیشتر نسبت به انواع سازها، می‌توانید کتاب "سازشناسی" اثر پرویز منصوری را مطالعه کنید



همایون ارشادی

همایون ارشادی متولد ۲۶ فروردین ۱۳۲۶ در اصفهان بازیگر ایرانی است که برخلاف بسیاری از بازیگران، مسیر ورودش به سینما کاملاً متفاوت بود. او سال‌ها در رشته معماری تحصیل و کار کرد و حتی مدتی در ایتالیا زندگی کرد. اما سرنوشت زمانی تغییر کرد که عباس کیارستمی او را دید و برای نقش اصلی فیلم طعم گیلان انتخابش کرد؛ فیلمی که در سال ۱۹۹۷ نخل طلای جشنواره کن را به دست آورد و نام ارشادی را یک‌باره در سینمای جهان مطرح کرد.

پس از طعم گیلان، ارشادی در سینمای ایران و حتی فیلم‌های بین‌المللی حضور یافت. یکی از مهم‌ترین آثار خارجی او فیلم بادبادک‌باز به کارگردانی مارک فورستر است که در آن نقش شخصیت بابا را بازی کرد و با استقبال منتقدان روبه‌رو شد.

در سینمای ایران نیز او در فیلم‌های متنوعی نقش‌آفرینی کرده است. از جمله: درخت گلابی به کارگردانی داریوش

مهرجویی

هلمون بازها

دختر به کارگردانی رضامیر کریمی

بمب؛ یک عاشقانه ساخته پیمان معادی

جامه‌دران

یک روز بخصوص

بازیگری ارشادی بر پایه ساده‌گویی، سکوت‌های معنادار و چهره آرام او شکل گرفته که اغلب نقش‌هایی کم‌حرف اما عمیق را به او می‌سپارند. او از جمله بازیگرانی است که با وجود شروع دیر هنگام، توانست جایگاهی ماندگار در سینمای ایران پیدا کند و حضورش در آثار بین‌المللی نیز اعتبار بیشتری برای او آفرید.

همایون ارشادی در ۲۰ آبان ۱۴۰۴ درگذشت. روحش شاد و یادش گرامی.

فرآیند پیوستن ایران به بریکس:

تلاش‌های ایران برای پیوستن به BRICS از سال‌ها قبل آغاز شده بود. در سال ۲۰۱۷، ایران در چارچوب «بریکس پلاس» امکان مشارکت در سازوکارهای بریکس را پیدا کرد. در همان سال، مذاکرات برای مشارکت ایران در بانک توسعه جدید بریکس نیز آغاز شد.

سرانجام، طی نشست سران بریکس در آگوست ۲۰۲۳، تصمیم گرفته شد که ایران به همراه چند کشور دیگر به عضویت این گروه درآید. عضویت رسمی ایران از ۱ ژانویه ۲۰۲۴ آغاز شد.

پیامدها و فرصت‌های عضویت ایران در بریکس: افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی: عضویت در بریکس می‌تواند قدرت سیاسی و اقتصادی ایران را افزایش دهد. همانطور که گفته شد، این گروه حدود ۲۶ درصد از مساحت زمین، ۴۲ درصد از جمعیت جهان و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد.

دسترسی به منابع مالی: ایران امیدوار است با پیوستن به بانک توسعه جدید BRICS، بتواند به منابع مالی جدیدی دست یابد. این بانک می‌تواند ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار وام (۳۰ درصد از آن به ریال ایران) برای پروژه‌های زیرساختی اختصاص دهد.

مزایای عضویت در سازمان بریکس

بریکس چیست؟

بریکس یک سازمان میان دولتی است که ۵ عضو اصلی یعنی روسیه و چین و هند و برزیل و آفریقای جنوبی و چند عضو فرعی یعنی ایران و مصر و اتیوپی و امارات و نیجریه و... دارد.

بریکس در سال ۲۰۰۹ شروع با اهداف اقتصادی و سیاسی به فعالیت کرد.

بریکس مخفف چیست؟

بریکس مخفف نام انگلیسی پنج کشور برزیل و روسیه و هند و چین و آفریقای جنوبی است.

اهداف بریکس: ایجاد تغییرات اساسی در ساختار نظام مالی بین‌المللی و تقویت همکاری‌های اقتصادی و کاهش سلطه دلار در مبادلات بین‌المللی و تقویت توان علمی و فناوری کشور های عضو و کاهش وابستگی به کشور های پیشرفته غربی و افزایش نفوذ در عرصه های بین‌المللی جزو اهداف بریکس است.

واحد پول بریکس:

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در BRICS، ایجاد یک واحد پول مشترک برای کاهش وابستگی به دلار آمریکاست. اگرچه در حال حاضر واحد پول رسمی بریکس وجود ندارد، اما تلاش‌هایی برای ایجاد مکانیسم‌های مالی مستقل از دلار در جریان است.

سندرم ایمپاستر

یکی از مسائل روانشناختی رایج، «سندرم ایمپاستر» (Impostor Syndrome) است. این پدیده به حالتی گفته می‌شود که در آن افراد موفق و شایسته، علی‌رغم دستاوردهای آشکار خود، احساس می‌کنند که لیاقت موفقیت خود را ندارند و متقلب هستند. آن‌ها در ترس دائمی به سر می‌برند که مبادا دیگران به «واقعی نبودن» توانایی هایشان پی ببرند.

این افراد معمولاً موفقیت‌های خود را نه به هوش یا مهارت، بلکه به عواملی بیرونی مانند شانس، زمان‌بندی خوب یا اشتباه دیگران نسبت می‌دهند. این الگوی فکری منجر به چرخه‌ای از اضطراب، کمال‌گرایی افراطی (آماده‌سازی بیش از حد) یا اهمال‌کاری می‌شود، زیرا فرد می‌ترسد نتواند استانداردهای بالایی را که از او انتظار می‌رود، برآورده سازد.

Am I an
Imposter?!



کاهش اثرات تحریم‌ها:

عضویت در بریکس می‌تواند به ایران کمک کند که تا حدودی اثرات تحریم‌ها را کاهش می‌دهد. همکاری با کشورهای عضو بریکس می‌تواند راه‌های جدیدی را برای دور زدن تحریم‌ها فراهم کند.

توسعه روابط تجاری: ایران می‌تواند از طریق بریکس، روابط تجاری خود را با اقتصادهای بزرگی مانند چین، هند و روسیه گسترش دهد. این امر می‌تواند به افزایش صادرات ایران و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند.

کاهش وابستگی به دلار: ایران از طریق مکانیسم‌های مالی بریکس، وابستگی خود به دلار را کاهش خواهد داد.



عرفان، عالمی شگرف در ادب فارسی

جمله بی‌قراریت، از طلب قرار تو بهت

طالب بی‌قرار شو، تا که قرار آیدت

برای مخلوق، که محدود است و در نظام آفرینش محمود، معقوله ای مطرح است به عنوان عرفان، که انسان، سالیان درازی را بدان اختصاص داده است، و به قولی از این بحث، سرشته است و مفطور. شعرای ادب فارسی، به اقتضای زمانی که می زیستند، در این «عالم شگرف» پرسه می زنند و ابیاتی را خلق می کردند، که در این زمان که هستیم، انسان اهل را در ایهامی از احساس نقص معرفت، و انقلاب روح و جان، قرار می دهد. ابیاتی بسیار تاثیرمند، و جان فزا در این نوشتار بیان می شود که در جای جای، و کلمات آن، پندهایی است از جنس عرفان. مولانا، خداوندگاری است گویی بی همتا، در حیطه عرفان و تصوف، که بیتی از او را آغازگر قرار می دهیم:

یارب ز شراب عشق سرمم کن
از هر چه به جز عشق تنی دستم کن
وز عشق خودت نیست کن و دستم کن
یکباره به بند عشق پابستم کن

مولانا می گوید: اگر آشفتگی و اضطراب، تو را بیمار ساخته است، بخاطر این است که می خواهی همیشه هوشیار باشی و در جریان قرار گیری، ولیکن همین، دلیل آشفتگی توست. پس در دل خویش، مستی و عدم هوشیاری پیشه کن، تا روح آرام گردد؛ این بیت، بیش از همه، نتیجه شهودی است در قالبی که از آن به عنوان انسان شناسی یاد می شود، و نمایان معرفت، و روح بلند مولانا، به عنوان یک شاعر و عارف است. یا در «عالم شگرف» خدا شناسی اگر دقیق شویم، ابیاتی را در این مضمون هم می یابیم، آنچنان که خواجه عبدالله انصاری می گوید:

در بیت، پیر هرات از خداوند درخواست می کند، که وی را از محبت خود سیراب سازد، و از رنج و درد های دنیوی رها؛ او می خواهد در مستی عشق خداوند، غرق گشته، و بی نیاز از هر عشق دیگری باشد. این دو بیت، از ابیاتی هستند که مقدار و میزان حقیقی یک انسان دلبسته به خداوند را، نه به اندازه ای که وصفی تماما صحیح باشد، ولیکن تا حد زیادی نمایان می سازند. از دیگر شعرای این معقوله، عطار است که بی گمان باید از قول او نیز، مواردی مطرح شود. حسن ختامی نیکوست، اگر با روایتی سراسر عرفان و معرفت، چه درست و چه غلط، از عطار، نوشتار را به اتمام رسانم:

گفته شده است عطار، در محل کسب خود مشغول به کار بود که درویشی از آنجا گذر کرد؛ درویش تقاضای دارویی از وی

غزلی به قلم محمدطاها حاجی اسفندیاری:

شی تارو هوا سرد است، ای دل!

دوباره سینه بر درد است، ای دل!

دگر باران حریف چشم من نیست

دو چشم آکنده از گرد است، ای دل!

قلم در دست و دفتر بر سر منبر

همین دفتر یکی فردا است، ای دل!

بهار آمد و لیکن در خزانم

به دو شتم در دصد مرد است، ای دل!

همی خندم و لیکن این دل من،

غم و دردی سپر کرد دست، ای دل!

به دل کفتم: که ای دل! ترک دل کن

ز اغیار این دلت طرد است، ای دل!

کرد و گفت که همین قدر پول دارم و نه بیشتر؛ اما عطار درخواست او را نپذیرفت به درویش گفت که هر چقدر که پول داری، به همان اندازه به تو دارو می‌دهم. دل درویش چرکین شد و به عطار گفت: تو که اینقدر به مال و زندگی دنیوی وابسته ای، چطور می‌خواهی روزی به خدا جان بدهی؟ عطار گفت: مگر تو چگونه جان خواهی داد؟ درویش در همان حال، کاسه چوبین خود را زیر سر نهاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد. در اینجا، عطار دچار نیرویی ژرف می‌شود که او را دگرگون می‌سازد و کار خود را رها می‌کند و راه حق در پیش می‌گیرد. و خوب است اگر در امتداد این روایت، دو بیتی از عشق و معرفت عطار، نسبت به خداوند را بیان کرده و نوشتار را به پایان ببرم:

گویم «ارنی» و زار کریم، ترسم ز جواب «لن ترانی»

پیری بشید و جان به حق داد، عطار مگو سخن که جانی



کافه گفتگو: تاریخچه فرهنگ انقلاب چاپ گوتنبرگ



دکتر شهید بهشتی:

آن نقطه برجسته از ایده اسلامی‌مان این است که مادر تلاش‌های اسلامی به عرب و عجم و شیعه و سنی قائل نیستیم و همه مسلمانان را برادران و خواهران عزیزمان میدانیم و عملاً این مورد را حفظ کرده‌ایم و کسی هم نمی‌تواند بر ما خرده بگیرد.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ص ۱۰۰ / مسجد آبی، ص ۸۴

پیش از اختراع چاپ سربی، دسترسی به منابع مکتوب، محدود به نهادهای مقتدر (مانند کلیساها و دربارها) و طبقات مرفه بود. این انحصار، کنترل بر روایت‌های تاریخی و فکری جامعه را تضمین می‌کرد. با ظهور فناوری چاپ، این ساختار قدرت دچار تحول بنیادین شد. برای درک ابعاد این دگرگونی، به گفتگوی فرضی میان دو شخصیت نماینده دو دیدگاه متضاد می‌پردازیم. این مکالمه فرضی، پس از راه‌اندازی اولین دستگاه‌های چاپ در قرن پانزدهم میلادی، در یک مهمانی در جریان است.

یوهانس (چاپچی):

سؤال از برادر لئوناردو: با در نظر گرفتن ظرفیت فنی ماشین چاپ برای تولید انبوه، آیا نباید سرعت و مقیاس را معیار اصلی نشر قرار دهیم؟ تولید دستی شما (کتابت) فرآیندی زمان‌بر و پرهزینه است که دسترسی عمومی به دانش را محدود می‌کند. آیا هدف اصلی، انتشار گسترده اطلاعات نیست؟

برادر لئوناردو (کشیش کاتب):

محصول نهایی کار بنده، نه صرفاً یک متن، بلکه یک شیء فرهنگی دارای اعتبار و اصالت است که با دقت فراوان تولید شده است. سرعت تولید انبوه شما، کیفیت و قداست محتوا را تهدید می‌کند. مهم‌تر آنکه، زمانی که هر فردی بدون نظارت بتواند متون را بخواند و تفسیر کند، چارچوب‌های معرفتی و نظم اجتماعی که بر پایه تفسیر واحد بنا شده است، متلاشی خواهد شد.

یوهانس:

گران بودن و کمیاب بودن کتاب‌ها، تبعیض آشکارتری را

به طور کل صنعت چاپ باعث انتشار سریع اطلاعات، کاهش قیمت کتاب‌ها و رشد بی‌سابقه‌ی سواد و دانش شد. این نوآوری، زمینه را برای جنبش‌های علمی و فرهنگی رنسانس و اصلاحات دینی فراهم کرد، چرا که متفکران توانستند ایده‌های خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی و نهادی منتشر کنند.

ولی از طرفی، چاپ باعث تضعیف قدرت مرکزی نهادهایی که پیش‌تر کنترل دانش را در دست داشتند و افزایش شایعات و اطلاعات نادرست شد. برای اولین بار، قدرت‌های مسلط با چالشی جدی در برابر کنترل محتوا مواجه شدند، که این امر به طور مستقیم به تضعیف انحصار آن هابر منابع قدرت و مشروعیت انجامید.

مکان تأمل: آیا ظهور شبکه‌های اجتماعی و اینترنت در عصر حاضر، همان الگوی تأثیرگذاری ماشین چاپ گوتمبرگ در قرون وسطی را تکرار می‌کند؟ به عبارت دیگر، آیا افزایش بی‌سابقه‌ی سرعت انتشار، همواره به سود حقیقت است یا صرفاً شایعه را سریع‌تر فراگیر می‌سازد؟



ایجاد می‌کند. حق دسترسی آزاد به اطلاعات، لازمه‌ی رشد فکری و اجتماعی است. انحصار دانش، خود یکی از موانع اصلی پیشرفت محسوب می‌شود. چگونه می‌توان رشد علمی و اقتصادی را بدون سواد و دسترسی عمومی به ابزارهای یادگیری انتظار داشت؟
برادر لئوناردو:

دسترسی کنترل نشده و بدون هدایت به اطلاعات، زمینه را برای انتشار سریع عقاید انحرافی و شایعات سازمان‌دهی نشده فراهم می‌آورد. ابزار شما، کنترل نهادهای ذی صلاح بر محتوای منتشرشده را عملاً ناممکن می‌سازد. این امر نه تنها ثبات اجتماعی را به خطر می‌اندازد، بلکه تفکر انتقادی را نیز تحت الشعاع اطلاعات سطحی قرار می‌دهد.
یوهانس:

اگر ساختار قدرت از شفافیت و استدلال منطقی نه‌راسد، این دسترسی گسترده منجر به افزایش آگاهی و آزادی اندیشه می‌شود. اعتقاد به اینکه دانش باید تنها در خدمت یک طبقه یا نهاد باشد، با روح پیشرفت انسانی در تضاد است. این فناوری صرفاً سرعت گردش حقایق را بالا می‌برد.

خلاصه کلام

گفتگوی فوق، تضاد تاریخی اصلی مرتبط با انقلاب چاپ را نمایان می‌سازد. اختراع چاپ سربی، صرفاً یک نوآوری فنی نبود، بلکه یک عامل تعیین‌کننده در تغییر پارادایم‌های اجتماعی و سیاسی بود.

ضرورت قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ
الْحِلِّ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که
به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند در گذرند تا
[خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می
شده اند به مجازات رساند

ضرورت قیام امام زمان (عجل الله تعالی
فرجه شریف) چیست و چه نیازی به
امام عصر داریم؟ مهدویت موضوعی
است که شاید عده ای نسبت به آن
سوالاتی داشته باشند که در ادامه به
ضرورت تحقق وعده الهی ظهور منجی
می پردازیم حاکمیت دین خدا: از آنجا
که بهترین نظر راجع به هر پدیده ای
نظر خالق آن است، خداوند از روی رحمت
و مهربانی خود راه و روش هایی را برای
رسیدن به بی نهایت در قالب دین بیان
فرموده است. حاکمیت دین در جامعه
برای سعادت بشر و زندگی با کیفیت
جمعی لازم است. اگرچه حاکمیت دینی
بدون امام معصوم تا حدودی شدنی است
اما اثری که حاکمیت امام معصوم بر
جامعه دارد را میتوان گفت هیچ حکومتی
نمیتواند داشته باشد صالحین: برای
برپایی کامل مفاهیمی همچون
عدالت، علم نافع و... نیاز به حکومت امام
معصومی داریم که علوم الهی نزد او

باشد و دانش بشر را به سمت علم نافع و
سودمند سوق دهد تا جامعه ای متفکر و
مستقل و ولایت پذیر ایجاد شود.

حرکت به سوی خدا: با کمی تفکر واضح
میشود که افرادی که قصد حرکت به
سوی خدا را دارند نیاز به یک رهبر
حامی بخترا از خود دارند که آنان را با
راهنمایی و تذکر خویش به آن سمت
هدایت کند. آن رهبر دلسوز تر از پدر
همان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه
شریف) است که برای شیعیان خود دعا
می کند و واسطه خیر برای تمام جهانیان
است جهت تعجیل در ظهور حضرت
حجت (عجل الله تعالی فرجه شریف) و ادی
روح شهدا صلوات.



تبیین جایگاه مقاومت اسلامی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جبهه‌ای به نام جبهه مقاومت اسلامی شکل گرفت که هدف آن ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی است. این جریان موجب بیداری ملت‌های مسلمان و تقویت روحیه استقلال، آزادی‌خواهی و وحدت در میان آنان شد. جمهوری اسلامی ایران با حمایت از کشورهای همسو، توانست جایگاه خود را در منطقه تثبیت و امنیت ملی خویش را تقویت کند. جبهه مقاومت نه صرفاً یک حرکت نظامی، بلکه یک اندیشه و باور فرهنگی و سیاسی برای دفاع از عدالت و کرامت انسانی است. این جبهه ادامه منطقی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید و نقشی اساسی در بازدارندگی دشمنان و حفظ اقتدار ایران ایفا می‌کند. هرچه محور مقاومت گسترده‌تر و منسجم‌تر گردد، امنیت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش خواهد یافت.

علت پدید آمدن مقاومت اسلامی آن است تا در برابر سلطه و استکبار بیگانگان مقابله و از طرفی روح آرمان‌خواهی و آزادی سرزمین فلسطین را بین امت اسلامی زنده نگه دارد.

پیش از وقوع انقلاب اسلامی نیز گروه‌های مقاومت به گونه‌ای وابسته به اردوگاه شرق یا اردوگاه غرب وجود داشتند مثل "شیخ عزالدین قسام" در فلسطین، "آخوان المسلمین" در مصر، "امام کاشف الغطاء" در عراق و در دهه‌های بعدی جنبش‌های "فتح"، "حماس" و "جهاد اسلامی" در فلسطین تشکیل شدند.

حال با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نگاه تازه و رویکرد جدیدی در درون مجاهدان گروه‌های مقاومت ایجاد کرد. نگاهی که معادلات را به گونه‌ای به هم زد که وابستگی به شرق و غرب نداشته باشند و اسلام و دین را سرمشق و الگوی خود قرار دهند.

ایران اسلامی با تقویت محور مقاومت، همچنان که از مقابله با استکبار و استعمار و مبارزه با صهیونیسم سخن می‌گوید، مطابق اصل ۱۷۶ قانون اساسی از تمامیت ارضی خود نیز دفاع می‌کند و تهدیدهای مختلفی نظیر گروه تروریستی داعش، تحریرالشام و ... را کیلومترها دورتر از مرزهای خود دفع کرده‌است و با شکل‌گیری نیروهای مقاومت در سرزمین‌های اسلامی (حشدالشعبی عراق، انصارالله یمن، فاطمیون افغانستان، حزب‌الله لبنان) به عنوان استراتژی دفاعی خود موجب بسط و گسترش و پیش‌برد آرمان‌ها و اهداف انقلاب شده‌است.



بزرگان علم حقوق ایران، از دوره اسلامی تا کنون

دوران قاجار و آغاز حقوق مدرن:

اولین حقوق‌دانان مدرن ایران: میرزا یوسف خان مستشارالدوله نویسنده یک کلمه-اولین متن نزدیک به حقوق اساسی مدرن در ایران. از پیشگامان ایده حاکمیت قانون.

میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله مؤسس "روزنامه قانون"، طرفدار قانون‌گرایی و اصلاحات حقوق‌دانان مجلس مشروطه:

مشیرالدوله (حسن پیرنیا) نویسنده قوانین مهم و از اولین حقوق‌دانان حرفه‌ای. عدالت‌الملک و ثوق‌الدوله معرفی کتاب:

خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران دکتر فردین مرادخانی

شاید برای‌تان سوال شده باشد که در کشورمان ایران، چه کسانی رشته حقوق را پایه‌ریزی کردند و ریشه و بزرگان این رشته محسوب می‌شوند؟

ما در تاریخ کشورمان اسم‌ها و افراد بزرگی داشته و همچنان نیز داریم که این رشته را با علم و تلاش شایان خود زنده و پویا نگه داشته‌اند.

در این مطلب به برخی از این نام‌ها در دوره اسلامی ایران تا دوران پهلوی می‌پردازیم زیرا حقوق در دوران پهلوی بسیار گسترده است و نیازمند یک مقاله کامل هست.

دوره اسلامی تا قبل از مشروطه:

در این دوران فقیهان اسلامی نقش حقوق دان را داشتند.

چهره‌های معروف:

شیخ طوسی

علامه حلی

شیخ مفید

خواجه نظام‌الملک (وزیر حقوق‌دان و قانون‌گذار)

نویسنده سیاست‌نامه که یک اثر حقوقی/حکومتی مهم است.

اندیشه چپ، بزرگترین چالش غرب

ایدئولوژی‌های چپ یکی از جریان‌های مهم فکری و سیاسی در قرن‌های نوزدهم و بیستم است که تأثیر عمیقی بر علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی، گذاشته است. اساس این ایدئولوژی بر برابری اجتماعی، عدالت اقتصادی و انتقاد از نابرابری‌های طبقاتی بنا شده است. در نگاه چپ، جامعه انسانی به‌طور طبیعی به‌سوی همبستگی و تعاون گرایش دارد، اما ساختارهای اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری، این گرایش طبیعی را سرکوب می‌کنند.

در جامعه‌شناسی، اندیشمندانی چون کارل مارکس، فردریش انگلس و بعدها آنتونیو گرامشی و لوئی آلتوسر، نقش اساسی در شکل‌گیری دیدگاه چپ داشتند. مارکس جامعه را صحنه‌ی تضاد میان طبقات حاکم و فرودست می‌دانست و معتقد بود که نظام سرمایه‌داری با تمرکز ثروت در دست گروهی اندک، موجب از خودبیگانگی انسان‌ها و بازتولید نابرابری می‌شود. از نگاه او، تغییر اجتماعی تنها از طریق مبارزه طبقاتی و دگرگونی در شیوه‌ی تولید ممکن است.

ایدئولوژی‌های چپ در جامعه‌شناسی بر ساختارگرایی و نقد قدرت نیز تأکید دارد. مثلاً گرامشی مفهوم «هژمونی فرهنگی» را مطرح کرد و توضیح داد که چگونه طبقه حاکم از طریق کنترل فرهنگ، آموزش و رسانه‌ها، ارزش‌های خود را به عنوان ارزش‌های عمومی جامعه جا می‌اندازد. آلتوسر نیز نهادهایی مانند مدرسه و خانواده را ابزارهای «ایدئولوژیک دولت» می‌دانست که در بازتولید نظم سرمایه‌داری نقش دارند.

از دید جامعه‌شناسی چپ، هدف علم تنها توصیف جامعه نیست،



پاد دارم که در ایام طفولیت مُتَعَبِد بودمی و شبخیز و مُوَلِّع زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر، رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نشسته بودم و همه شب دیده‌برهم نبسته و مُصَحَّفِ عزیز برکنار گرفته و طایفه‌ای گردما خفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سربرنمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.

نبیند مدعی جز خویشان را که دارد درده‌نزار در پیش کرت چشم خدا بینی بخشد نسینی هیچ کس عاجز تر از خویش



ارسطو شاگرد ناخلف

ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) شاگرد افلاطون و آموزگار اسکندر مقدونی بود. او فلسفه را به دو بخش اصلی نظری و عملی تقسیم کرد، سپس بخش عملی را به بخش های اخلاق و سیاست تقسیم کرد (بعد ها شاگردان و شارحان ارسطو بخش هنر یا صنعت را هم به بخش عملی اضافه کردند) و بخش نظری را به بخش های ریاضیات، فیزیک و متافیزیک تقسیم کرد. امروزه اما تمامی رشته های تقسیم بندی ارسطو از فلسفه، از نظر آکادمیک از حیطه های فلسفه خارج شده اند و تنها متافیزیک است که برای فلسفه باقی مانده است. (بر خلاف گذشته که فلسفه جامع العلوم و فیلسوف بحر العلوم بود). مهمترین اثر ارسطو کتاب متافیزیک است. او در ابتدای کتاب آلفای بزرگ متافیزیک، به نقد پیشینیان و استادش افلاطون می پردازد. چنین می گوید که: «فلسفه ی قدیم چون هنوز دوران کودکی را می پیماید و در آغاز راه است، مانند کودکان به دشواری سخن می گوید و به ادای مقصود توانا نیست.» وقتی از او پرسیدند، چرا با نظرات استادت، افلاطون، مخالفت می کنی، پاسخ داد: «افلاطون برای من عزیز است، اما حقیقت عزیزتر است.»

در ابتدای کتاب به چستی متافیزیک یا فلسفه اولی می پردازد. برای بررسی

بلکه تغییر آن است. این رویکرد به مطالعه ی فقر، نابرابری جنسیتی، سلطه ی نژادی و بی عدالتی های جهانی اهمیت می دهد و خواهان بازتوزیع عادلانه ی منابع و قدرت است. در نتیجه، ایدئولوژی چپ، جامعه شناسی را از علمی صرفاً نظری، به ابزاری برای نقد و اصلاح جامعه تبدیل کرده است.

منابع: کارل مارکس و فردریش انگلس
مانیفست حزب کمونیست، ترجمه:
ابوالحسن نجفی، انتشارات نی.
آنتونی گیدنز. جامعه شناسی، ترجمه:
منوچهر صبوری انتشارات نی.



ارسطو، آندرنیکس رُدسی، این مجموعه نوشته‌های موجود در این کتاب را از نظر ترتیب و مباحث کلی وجود، بعد از کتاب طبیعت (فیزیک) قرار داده است و این اسم بعد از آن دوره، روی این کتاب و این دانش مانده است. اما ابن سینا در رابطه با تقدم در این نامگذاری گفته: «معنای «مابعدالطبیعه» بعدیتش نسبت به ما است؛ زیرا اول چیزی را که از هستی مشاهده می‌کنیم و با احوالش آشنا می‌شویم، همین وجود طبیعی است. و اما آن اسمی که شایسته این علم است، در صورتی که بذاته اعتبار گردد، باید گفته شود: «علم ما قبل الطبیعه»؛ چه اموری که در این علم، مورد بحث واقع می‌شوند، ذاتاً و عموماً قبل از طبیعت هستند.» (ترجمه الهیات شفا - آیت الله محمد محمدی گیلانی - فصل سوم: در منفعت این علم و مرتبه و اسمش)

حال هدف غایی این کتاب و دانش چیست؟ واسیلیس پولیتیس (فیلسوف یونانی معاصر) در تفسیرش از متافیزیک، بر وجه هستی‌شناسانه این اثر تأکید میکند و ایده اصلی و محوری این اثر را پرسش از «وجود» میداند و پرسش از وجود بنیادی‌ترین، سخت‌ترین و مهم‌ترین پرسش تاریخ فلسفه است. مثلاً ما موجود را از آن حیث که در و دیوار و صندلی هست می‌توانیم بشناسیم و تعریف کنیم. اما اگر بخواهیم به وجود بپردازیم باید مسیر دیگری طی کنیم. برای مثال فرض کنید دو کتاب داریم، رنگ جلد و تعداد صفحات

مشخصات و چستی این دانش به سخنان خود ارسطو در ابتدای آلفای بزرگ کتاب متافیزیک مراجعه می‌کنیم:

دانشی که به خاطر خودش، و به خاطر خود شناخت، تحصیل می‌شود - دقیق‌ترین دانش‌ها، آنهایی‌اند که بیشتر از همه به اصل‌های نخستین می‌پردازند - شایسته‌ترین چیزهای شناختنی [هم، همان] اصل‌های نخستین و علت‌هایند. زیرا بوسیله این‌ها و بر پایه این‌هاست که همه چیزهای دیگر می‌توان شناخت، نه آنکه [چنان باشد] که این‌ها، این علت‌ها و اصل‌های نخستین، از چیزهای تابع آنها شناخته شوند. اما دانشی که می‌شناسد که هر چیزی به خاطر چه [مقصودی] انجام می‌گیرد، معتبرترین دانش‌هاست و برتر از توابع آن است. و این (هدف) در مورد هر چیزی خیر آن و به طور کلی خیر یا نیکی برترین در همه ی طبیعت است.

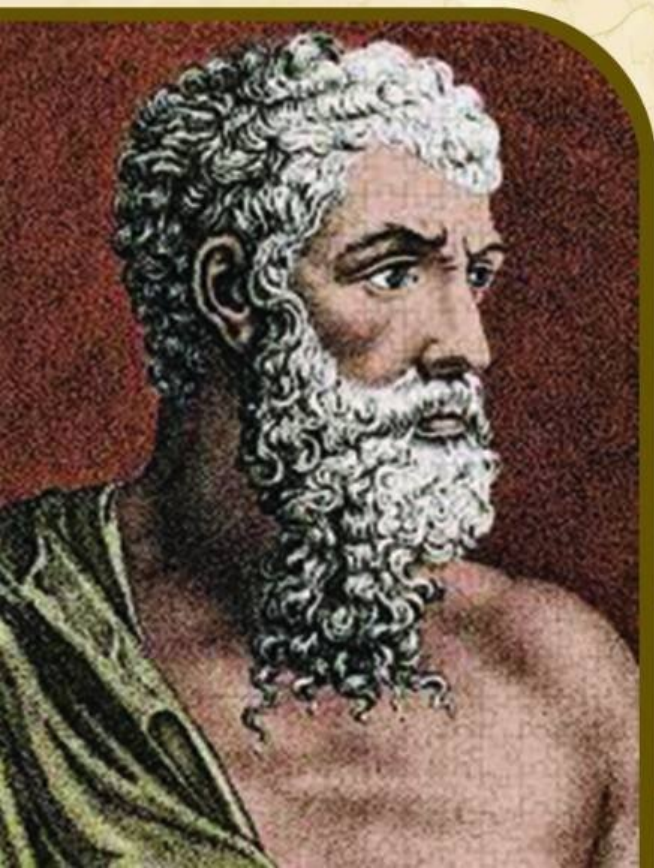
بدینسان از همه‌ی آنچه که تاکنون پژوهش کردیم، نامی که در جستجوی آن بودیم به همان دانش تعلق می‌گیرد. و آن دانشی است که درباره‌ی اصل‌ها و علت‌های نخستین پژوهش می‌کند.

بنابراین این دانش، اصل‌ها و علت‌های نخستین اشیا را مورد بررسی قرار می‌دهد. پس حتی می‌توان گفت این دانش از محسوسات و حواس نیز فراتر است.

مابعدالطبیعه یا متافیزیک، از واژه یونانی متاتافوزیکا می‌آید که به معنی بعد از فیزیک (طبیعت) است. علت این نامگذاری این است که تنظیم‌کننده و ویراستار آثار

پس باید محرکی نخستین وجود داشته باشد که خود حرکت نمی‌کند، (محرک نامتحرک). او در متافیزیک خدا (متحرک نامتحرک) را علت غایی و محبوب همه‌ی هستی می‌داند و این خدای فلسفی ارسطو، نه درگیر جهان است و نه آن را از عدم خلق کرده بلکه همچون هدفی ازلی، همه‌چیز را حرکت می‌دهد و تنها فعالیت خدای او، تعقل و اندیشه است، درباره‌ی خودش که عقل و فکر مطلق است چرا که او نباید به هیچ چیز پایینتر از خودش بیانديشد. (عقل عقل، اندیشه‌ای که به خود می‌اندیشد).

-سروش درخشان-



متفاوت است اما هر دو در کتاب بودن متشکر هستند. حال اگر این دو کتاب را روی میز بگذاریم، سه موجود داریم که هر سه تنها در شی مادی بودن مشترکند. حال اگر چیزی مثل عشق، زیبایی یا عدالت را هم به این مجموعه اضافه کنیم، در هیچ چیز مشترک نیستند، الا وجود داشتن و بودن.

مبحث مهم دیگر موجود در این کتاب این است که او برای توضیح پدید آمدن هر چیز، نظامی عقلانی از چهار علت عرضه می‌کند که به آن «علل اربعه» گفته می‌شود (یک میز را برای فهم این علل در نظر شبیاورید):

۱. علت مادی (چوب در میز).
۲. علت صوری (صورت و فرم میز بودن).
۳. علت فاعلی (نجار).
۴. علت غایی: هدف یا کارکرد نهایی (برای چه ساخته شده است؟ ناهار خوردن).

در نگاه ارسطو، علت غایی مهم‌ترین آن هاست؛ زیرا هر موجود در ذات خود، به سوی غایت خویش حرکت می‌کند (حرکت از قوه به فعل). دانه به سوی درخت، پسر به پدر و انسان به سوی کمال عقلانی و سعادت. و از آنجا که در ارسطو، علل مختلف داریم و در فلاسفه یونان چیزی به اسم سرمدیت حرکت (حرکت همواره هست و جهان در حال شدن است)، بنابراین هر حرکت نیازمند محرکی است. اما زنجیره‌ی علل این حرکت نمی‌تواند تابی نهایت پیش رود.

اهمیت و درس تاریخی:

شکست ایران در سالامیس نقطه‌ای عطفی در تاریخ جهان شد. اگر تمیستوکلس آن تصمیم را نمی‌گرفت، شاید آتن و تمدن یونان نابود می‌شدند و مسیر فرهنگ و اندیشه در جهان به شکل دیگری رقم می‌خورد.

اما ارزش واقعی این واقعه در درسی است که به ما می‌دهد: در سخت‌ترین شرایط، فکر و تدبیر از قدرت و عدد برترند. گاهی عقب‌نشینی، شکست نیست؛ بلکه مقدمه‌ی پیروزی‌ای بزرگ‌تر است.



وقتی عقل جای شمشیر را گرفت

در تاریخ، لحظه‌هایی وجود دارد که سرنوشت ملت‌ها نه با شمشیر و سپاه، بلکه با یک تصمیم هوشمندانه تغییر می‌کند. یکی از این لحظه‌ها، نبرد سالامیس است؛ نبردی که نتیجه‌ی آن مسیر تاریخ را برای همیشه عوض کرد.

در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، سپاه عظیم ایران به فرماندهی خشایارشا به یونان حمله کرد و شهر آتن در آتش سوخت. بیشتر فرماندهان یونانی تسلیم را تنها راه نجات می‌دانستند، اما مردی به نام تمیستوکلس، فرماندهی نیروی دریایی آتن، اندیشه‌ای متفاوت داشت.

او دریافت که نمی‌توان در خشکی با سپاه بزرگ ایران جنگید، اما در دریا، شاید فرصتی برای پیروزی باشد.

تمیستوکلس پیشنهاد داد نبرد در تنگه‌ی باریکی به نام سالامیس انجام شود؛ جایی که کشتی‌های کوچک و سریع یونانی می‌توانستند بر کشتی‌های بزرگ ایرانی غلبه کنند.

او با نیرنگی هوشمندانه، وانمود کرد که عقب‌نشینی کرده تا ایرانیان را به داخل تنگه بکشاند. هنگامی که ناوگان ایران در فضای محدود گرفتار شد، کشتی‌های یونانی از دو سو حمله کردند و پیروزی را به دست آوردند.

مرگ بر آمریکا

خود از جان گذشتند و فریاد زدند: «مرگ بر آمریکا»

رهبر انقلاب اسلامی: شعار «مرگ بر آمریکا» آن چنان مسئله‌ی مهمی نیست که آمریکایی‌ها به خاطر آن با ایران مخالفت کنند، مسئله‌ی اختلاف ذاتی است، مسئله‌ی تقابل منافع دو جریان است: جریان آمریکا و جریان جمهوری اسلامی.

آمریکایی‌ها سالهاست که اصرار دارند مواضع ایران در برابر خود را با برچسب‌هایی همچون توهم توطئه، لجاجت، دشمنی، مغایر با منافع ملی و امثال اینها تخطئه کرده و زیر سوال ببرند. برای این منظور به بهانه‌های مختلف و اغلب کهنه‌ای نیز متوسل می‌شوند که استناد به شعار «مرگ بر آمریکا» یکی از آنهاست.

شعار «مرگ بر آمریکا» در اصل یک شعار سیاسی بر علیه ظلم و زور گویی است، نه آرزوی مرگ برای مردم آمریکا.

معنای واقعی مرگ بر آمریکا، مرگ بر سیاست‌ها و نظام سلطه‌گر آمریکا، مرگ بر آمریکا یعنی مخالفت با استعمار، دخالت، ظلم، و زور گویی دولت آمریکا در کشورهای دیگر.

این شعار در حقیقت اعتراض به رفتارهای سیاسی و نظامی دولت آمریکاست، مثل تحریم‌های ظالمانه، جنگ‌ها یا دخالت در امور دیگر کشورها.

در واقع این شعار نوعی اعتراض به ستم و بی‌عدالتی جهانی است، نه دعوت به خشونت علیه مردم.

سیزدهم آبان ماه یادآور روحیه‌ی استقلال خواهی، شجاعت و بیداری ملت ایران است؛ روزی که مردم نشان دادند در برابر ظلم، سلطه و دخالت بیگانگان سکوت نخواهند کرد. این روز نماد ایستادگی نسلی است که برای آزادی و عزت کشور

قُلْ هُوَنَّا بِغَيْظِكُمْ... يَكُوْا بِهَمِّبِ خُشْمٍ وَ كَيْفَ اِيْ كَمْ دَر دِلِ دَارِيْدِ بِمِيْرِيْدِ

مرگ بر آمریکا

به آمریکا بگویید از دست ما عصبانی باشد و از این عصبانیت بمیرد